



نقش ناتو و جناح شرقی در خاورمیانه؛ مطالعه موردی (جمهوری چک و لهستان)

حسین رضائیان^۱

۱- روابط بین الملل، مطالعات منطقه ای آمریکای شمالی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: Hosseinrezaeiyan@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی نقش جناح شرقی ناتو در خاورمیانه می‌پردازد و تأکید دارد که کشورها به منظور حفظ منافع مشترک خود، وارد اتحادیهایی می‌شوند. ناتو، که در ابتدا به عنوان یک اتحاد نظامی منطقه‌ای شکل گرفت، پس از جنگ جهانی دوم توسط ایالات متحده بازسازی شد تا به نیازهای امنیتی و منافع این کشور در غرب اروپا و دریای مدیترانه پاسخ دهد. امروزه، یکی از چالش‌های اصلی ناتو این است که آیا باید مسئولیت‌های جهانی بیشتری را در برابر تهدیدات جدیدی که فراتر از قاره اروپا ظهور می‌کنند، به عهده بگیرد یا خیر. این پژوهش به‌ویژه به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان روابط جدیدی با شرکای بالقوه ایجاد کرد و چگونه جناح شرقی ناتو را برای پذیرش مسئولیت‌های بیشتر در خاورمیانه تشویق کرد. به منظور پاسخ به این سوال، دو کشور از جناح شرقی ناتو، جمهوری چک و لهستان، انتخاب شده‌اند. این دو کشور به‌عنوان نمایندگان مناطق مختلف در جناح شرقی ناتو مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا تنوع بیشتری در بررسی‌های منطقه‌ای حاصل شود. بحران جاری اوکراین تأثیر چشمگیری بر ناتو داشته و وظیفه‌ای جدید و ساده‌تر را برای آن تعریف کرده است: بازدارندگی و دفاع از جناح شرقی در برابر تهدیدات روسیه. منافع استراتژیک لهستان و جمهوری چک در خاورمیانه به‌عنوان اولین متغیر در این تحقیق بررسی می‌شود؛ زیرا اگر این کشورها هیچ تمایل یا توانایی برای کسب منافع در خاورمیانه نداشته باشند، اهمیت منافع آنها کاهش می‌یابد. متغیر دوم، سطح مشارکت جمهوری چک و لهستان در خاورمیانه است که به تحلیل تعاملات این کشورها در این منطقه می‌پردازد.

کلمات کلیدی: پیمان آتلانتیک شمالی، خاورمیانه، جناح شرقی ناتو، جمهوری چک، لهستان

The role of NATO and the Eastern Front in the Middle East; Case study (Czech Republic and Poland)

Hossein Rezaian¹

1-International Relations, North American Regional Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: mailto:Hosseinrezaeiyan@gmail.com.

Abstract

This Article examines the role of NATO's eastern flank in the Middle East, emphasizing that countries enter into alliances in order to protect their common interests. NATO, which was initially formed as a regional military alliance, was restructured by the United States after World War II to respond to its security needs and interests in Western Europe and the Mediterranean. Today, one of NATO's main challenges is whether it should take on greater global responsibilities in the face of new threats emerging beyond the European continent. This study specifically examines how to build new relationships with potential partners and how to encourage NATO's Eastern flank to take on more responsibilities in the Middle East. In order to answer this question, two countries from NATO's Eastern flank, the Czech Republic and Poland, have been selected. These two countries are analyzed as representatives of different regions on NATO's Eastern flank in order to achieve greater diversity in the regional analysis. The current Ukrainian crisis has had a significant impact on NATO and has defined a new and simpler task for it: deterrence and defense of the Eastern flank against Russian threats. The strategic interests of Poland and the Czech Republic in the Middle East are examined as the first variable in this study; because if these countries have no desire or ability to gain interests in the Middle East, their importance decreases. The second variable is the level of participation of the Czech Republic and Poland in the Middle East, which analyzes the interactions of these countries in this region.

Keywords: North Atlantic Treaty, Middle East, NATO Eastern Wing, Czech Republic, Poland

۱- مقدمه

منطقه‌ای بود، سازماندهی مجدد کرد تا مشکل امنیت قدرت (اقتصادی، سیاسی و نظامی) در غرب اروپا و دریای مدیترانه را بگونه‌ای سازماندهی کند که با منافع ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم سازگار باشد. یکی از موضوعات اصلی که امروز ناتو با آن مواجه است این است که آیا باید مسئولیت و مأموریت‌های جهانی بیشتری را در جهانی که در آن تهدیدات آمریکای شمالی و اروپا بطور فزاینده‌ای، فراتر از قاره اروپا سرچشمه می‌گیرد، بر عهده بگیرد یا خیر. همانطور که اتحاد درباره این سوال بحث کرده است،

کشورها با احتساب اینکه منافع آنها در دستیابی به یک هدف مشترک حفظ می‌شود، وارد یک اتحاد می‌شوند. می‌توان گفت کشورهایی که قدرت کافی برای تحقق اهداف خود را دارند و یا دارای قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، ممکن است برای کاهش هزینه‌ها، کم کردن زمان یا توجیه اقدامات کشور خود اقدام به مداخله در سایر کشورها، از طریق اتحاد کنند و وارد اتحاد شوند. ایالات متحده آمریکا ناتو را که در ابتدا یک اتحاد نظامی

شروع به بررسی این موضوع کرده است که چگونه می‌توان روابط جدیدی با شرکای بالقوه ایجاد کرد و چگونه می‌توان جناح شرقی ناتو را به برعهده گرفتن مسئولیت‌های بیشتر در خاورمیانه، وادار کرد؟ بنابراین، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: نقش جناح شرقی ناتو در خاورمیانه چیست؟

بمنظور ارائه پاسخ به سوال اصلی پژوهش، دو کشور از جناح شرقی ناتو برای تحلیل مقایسه‌ای انتخاب شده‌اند. هر کدام را می‌توان بعنوان نماینده یک منطقه فرعی خاص از جناح شرقی ناتو در نظر گرفت تا حداکثر تنوع در منطقه حاصل شود. تجزیه و تحلیل بر جمهوری چک در منطقه اروپای مرکزی و لهستان به دلیل سیاست خاص خود در قبال ناتو، که در بین کشورهای دیگر در گروه ویسگراد^۱ برجسته است، برای تجزیه و تحلیل انتخاب شده‌اند.

بحران جاری اوکراین به ناتو جهت جدیدی داده است به این معنا که وظیفه نسبتاً ساده‌ای را برای آن در نظر گرفته است: بازدارندگی و دفاع از جناح شرقی در برابر روسیه. منافع استراتژیک لهستان و جمهوری چک، در خاورمیانه اولین جنبه مشاهده و تحلیل (متغیر) است. زیرا اگر این کشورها تمایل و یا توانایی لازم برای اقدام در جهت کسب منافع در خاورمیانه را نداشته باشند، منافع آنها بی‌اهمیت می‌شود. دومین متغیر، سطح مشارکت جمهوری چک و لهستان در خاورمیانه است.

این تحلیل با ذکر تفاوت‌های قابل‌توجه در منافع استراتژیک و سطح تعاملشان در خاورمیانه به دسته‌بندی الگوها به انواع خاصی با توجه به موقعیتشان در خاورمیانه کمک می‌کند. در این راستا، چارچوب مفهومی یک نمای کلی از ابتکارات ناتو در خاورمیانه، از جمله توسعه و وضعیت فعلی آنها، که سنگ‌بنای این پژوهش را تشکیل می‌دهد، ارائه می‌دهد. پس از آن، ادبیات موجود در مورد ناتو در خاورمیانه با تمرکز بر ابهام در سیاست‌های ناتو، نقش‌های احتمالی و دیدگاه‌های اعضا در مورد خاورمیانه بحث می‌کند. سپس دو کشور براساس منافع استراتژیک و سطح مشارکتش مورد بررسی قرار می‌گیرد که دو مطالعه موردی را شامل می‌شود. بخش مهم این کار شامل تجزیه و تحلیل است که در آن متغیرها مقایسه می‌شوند و نهایتاً نتیجه‌گیری لازم از فرایند پژوهش بعمل می‌آید.

۲- چارچوب مفهومی

منطقه خاورمیانه

خاورمیانه جدید که بر روی بخش قابل توجهی از سرزمین‌های عثمانی ساخته شده است، اگرچه بیشترین واکنش‌ها در برابر غرب انجام داده، اما بیش از هر منطقه دیگری حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را بخود دیده است. آنچه از تاریخ خاورمیانه بدست می‌آید، این است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در امور سیاسی و امنیتی منطقه داشته‌اند. تا جایی که حتی ظهور نظام دولت ملت نیز در منطقه براساس خواست و اراده‌ی قدرت‌های خارجی، به خصوص بریتانیا، بوده است (شجاع، ۱۳۸۸: ۹۷).

از منطقه خاورمیانه اغلب توسط نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف نام برده می‌شود، با این حال تعریف واحدی که مورد قبول جهانی از این منطقه باشد، وجود ندارد. در واقع ناتو نیز در مورد آنچه که به‌عنوان خاورمیانه می‌شناسد، شفافیت ندارد. رویکرد استفاده از اصطلاح خاورمیانه توسط ناتو،

رویکردی سیاسی است و هر کدام از کشورهای عضو براساس منافع خود تعریف متفاوتی از این منطقه دارند. ناتو در برخی موارد از اصطلاح تعریف‌نشده «خاورمیانه بزرگ^۲» استفاده می‌کند و یا بجای خاورمیانه از اصطلاح مبهم «جنوب» استفاده می‌کند. که جنوب کل قاره آفریقا و خاورمیانه از جمله خلیج فارس و ایران را در بر می‌گیرد (Samaan, 2018: 68). خاورمیانه اغلب به کشورهای عربی شمال آفریقا متصل است که در مجموع منطقه به اصطلاح "منا^۳" را شکل می‌دهد. این پژوهش از تعریف محدودتر و پرکاربرد خاورمیانه استفاده می‌کند که بین مصر در غرب و ایران در شرق و شامل کل منطقه شام و شبه جزیره عربستان است، در نظر می‌گیرد (Sharnweber 2019, 2011). با توجه به این تعریف، خاورمیانه شامل کشورهای مصر، اسرائیل، لبنان، تشکیلات خودگردان فلسطین، سوریه، اردن، عربستان سعودی، یمن، عمان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت، عراق و ایران است. از نقطه نظر جغرافیایی، ترکیه نیز بخشی از منطقه است. با این حال به‌عنوان یکی از اعضای ناتو، وضعیت ژئوپلیتیک آن به طور قابل توجهی متفاوت است. در این پژوهش از تعریف محدود استفاده شده است زیرا فقط یک منطقه و تا حدی از نظر ژئوپلیتیک منسجم را شامل می‌شود. مناطق دیگر حذف می‌شوند، زیرا آنها چند منطقه فرعی متنوع را در بر می‌گیرند. هرچه حوزه موردنظر گسترده‌تر باشد، ابتکارات و منافع بیشتری باید گنجانده شود، که تجزیه و تحلیل را دشوارتر و کمتر متمرکز می‌کند. به عنوان مثال، اگر باید از تعریف مبهم جنوب استفاده شود، تمام فعالیت‌های ناتو در آفریقا باید در تحقیق گنجانده شود که خود نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد.

سیاست ناتو در قبال منطقه خاورمیانه

ناتو یک سازمان پیمان امنیتی جمعی است که تحت رهبری ایالات متحده تشکیل شده است. این پیمان دفاعی پس از فروپاشی شوروی، با چالش‌های فلسفه وجود روبه‌رو شده و بر این اساس، مأموریت‌هایی را فراتر از آنچه در دوران جنگ سرد برای امنیت بلوک غرب داشت، در سطح جهانی برای خود تعریف کرده است؛ از جمله مقابله با تروریسم، کمک به حفظ صلح جهانی و غیره. همچنین، در راستای این سطح فعالیت‌ها، گسترش خود به سمت شرق را در دستور کار قرار داده است. ناتو در مناطق حضور خود، کمتر درگیر جنگ شده است و بیشتر تلاش کرده است تا با ایجاد موازنه تهدید، اهداف خود و به ویژه آمریکا را به انجام برساند (نجف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۸۹).

اگرچه منطقه خاورمیانه به منطقه‌ی فرآتلانتیک که هدف اصلی ناتو است، تعلق ندارد، اما ناتو همچنان به این بخش از جهان توجه دارد. بیانیه اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۱۸ بروکسل، بی‌ثباتی فزاینده و ادامه بحران‌ها در خاورمیانه را از جمله تهدیدهای اصلی تضعیف ثبات یورو آتلانتیک نام برد. این بیانیه به ابعاد جنوبی و شرقی مدیریتانه اهمیت مشابهی می‌دهد و در راستای رویکرد به اصطلاح ۳۶۰ درجه، در اجلاس لندن در سال ۲۰۱۹ نیز بر آن تأکید شد. در سال ۲۰۱۸ اعضای ناتو به اصطلاح بسته جنوب^۴ را تأیید کردند که باید به رویکردی منسجم‌تر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کمک کند. علاوه بر تقویت شراکت‌های موجود، ناتو همچنین مایل به توسعه روابط قوی‌تر با سایر کشورهای خاورمیانه مشارکت‌هایی چون شورای همکاری خلیج فارس یا اتحادیه کشورهای عرب هستند. در چارچوب این

^۲ خاورمیانه بزرگ بسته به اینکه چه کسی از این واژه استفاده می‌کند، ممکن است به جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی یا افغانستان و پاکستان گسترش یابد.

³ MENA

⁴ Package on the South

^۱ گروه ویسگراد (V4) قالب منطقه‌ای غیررسمی همکاری بین چهار کشور اروپای مرکزی است: لهستان، جمهوری چک، اسلواکی و مجارستان، که نه تنها از طریق همسایگی و موقعیت ژئوپلیتیک مشابه، بلکه بیش از همه با تاریخ، سنت‌های مشترک فرهنگ و ارزش‌های مشترک به هم مرتبط هستند

هدف استراتژیک، بیانیه بروکسل سه هدف اصلی را دنبال می کند (NATO) (2018).

۱) تقویت بازدارندگی و دفاع ناتو در برابر تهدیدات ناشی از جنوب

۲) کمک به تلاش‌های مدیریت بحران بین‌المللی در منطقه

۳) کمک به شرکای منطقه‌ای برای ایجاد انعطاف‌پذیری در برابر تهدیدات امنیتی، از جمله در مبارزه با تروریسم

در محیط کنونی. خاورمیانه تهدیدات و چالش‌های متعددی را برای ناتو ایجاد می‌کند، از دامن زدن به تروریسم، از طریق مهاجرت غیرقانونی و قاچاق انسان، تا تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی. تعامل‌ها در یمن و سوریه نه تنها در درون این کشورها بی‌ثباتی ایجاد می‌کند، بلکه به کشورهای همسایه نیز سرایت می‌کند و بی‌ثباتی را برای کل منطقه به ارمغان می‌آورد. ناتو همچنین نگران موشک‌های بالستیک سوریه و ایران است که می‌توانند خاک کشورهای عضو آن را هدف قرار دهند. علاوه بر این، برنامه هسته‌ای ایران منبع تنش دیگری است. تعداد زیادی از بازیگران دولتی و غیردولتی وضعیت در منطقه خاورمیانه را مبهم می‌سازند، قدرت‌های جهانی مانند روسیه و چین برای نفوذ در منطقه با هم رقابت می‌کنند. از سوی دیگر، منافع ناتو در منطقه مدیترانه ممکن است صرفاً مبتنی بر تهدید نباشد، اما کشورهای عضو نیز می‌توانند فرصت‌های اقتصادی، به‌ویژه در مورد تجارت تسلیحات را در رابطه با کشورهای منطقه مدیترانه داشته باشند. خاورمیانه اکنون بازار دفاعی در حال رشد در جهان است (Burton, 2018: 13). به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹ عربستان سعودی بزرگترین واردکننده تسلیحات در سراسر جهان بود. همچنین، در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸، کشورهای منطقه خاورمیانه بیش از نیمی از صادرات تسلیحات ایالات متحده، ۶۰ درصد از بریتانیا و ۴۴ درصد از فرانسه را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین رقابت در این زمینه می‌تواند انگیزه دیگری برای مشارکت آمریکا و اروپا و پیشی گرفتن از روسیه و چین باشد. از پایان سال ۲۰۱۹، ناتو از طریق چارچوب مشارکت خود، گفتگوی مدیترانه و ابتکار همکاری استانبول، با کشورهای خاورمیانه همکاری می‌کند. از نظر نظامی، ناتو فقط از طریق مأموریت تازه راه‌اندازی شده ناتو در عراق مشارکت دارد (The Economist:2020). در حالی‌که در قالب برنامه‌های مشارکتی مختلف در خاورمیانه مداخله نموده است.

ناتو از طریق ترکیبی از مشارکت‌های منطقه‌ای و دوجانبه با بیش از چهل کشور همکاری می‌کند. اکثر این مشارکت‌ها از طریق یک چارچوب منطقه‌ای عمل می‌کنند؛ با این حال، با ادامه تغییر و تحول چشم‌انداز ژئوپلیتیک بین‌المللی، ناتو به مشارکت‌های دوجانبه رسمی و گاهی غیررسمی‌تر می‌پردازد (Brown, 2023: 33). برنامه مشارکت برای صلح^۱ که در سال ۱۹۹۴ آغاز شد، برای توسعه روابط دوجانبه بین شرکت کنندگان مشارکت برای صلح و ناتو کار می‌کند. شورای مشارکت یورو-آتلانتیک^۲ که در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد، به‌عنوان «مجموعه چندجانبه برای گفتگو و مشورت در مورد مسائل سیاسی و امنیتی بین متحدان و کشورهای شریک» فعالیت می‌کند. این شورا از تمام کشورهای عضو ناتو به اضافه ۲۱ کشور شریک تحت برنامه مشارکت برای صلح تشکیل شده است. ابتکار همکاری استانبول^۳ که در ژوئن ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد، رابطه‌ای را بین ناتو و همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌جز عمان آغاز کرد. ابتکار همکاری استانبول این مزیت را دارد که رابطه‌ای فراتر از یک توافق ساده یکجانبه با ایالات متحده

است. این ابتکار چندجانبه با انبوهی از کشورهای اروپایی است. که ناتو را در گوشه کشورهای عربی خلیج فارس قرار می‌دهد. (Madson, 2006: 54). یکی از مناطقی که مورد توجه جناح شرقی ناتو قرار گرفته است منطقه خاورمیانه است که با ارزیابی متغیرهای منافع ملی، سطح تعامل، منافع استراتژیک دو کشور جمهوری چک و لهستان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

جناح شرقی ناتو

آنچه که از آن با عنوان جناح شرقی ناتو یاد می‌شود، کشورهایی را در بر می‌گیرد که تا سال ۱۹۹۰ بخشی از پیمان ورشو بودند و تحت رهبری اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار داشتند. از این جناح با عنوان "گروه بخارست ۹" نیز یاد می‌شود که کشورهایی همچون لیتوانی، لتونی، استونی، بلغارستان، رومانی، مجارستان، لهستان، اسلواکی و جمهوری چک را در بر می‌گیرد. این گروه در ۴ نوامبر ۲۰۱۵ ایجاد شد و از همان ابتدا بر گسترش بیشتر ناتو به شرق و عضویت کشورهایی همچون اوکراین و گرجستان تأکید می‌کرد. از ۱۰ مه ۲۰۲۱ که جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده طی یک ویدئو کنفرانس در اجلاس بخارست ۹ حاضر شد، انگیزه جدیدی برای جناح شرقی ناتو پدید آمد تا خواهان حضور نظامی بیشتر آمریکا در شرق اروپا شود. (بهمن: ۱۴۰۲).

مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی متغیرها

متغیرهای مورد تجزیه و تحلیل در این مطالعه هر دو از سؤال اصلی تحقیق بیرون می‌آیند که از منظر واقع‌گرایانه به آنها نگاه شود. متغیر اول انتخاب شده به منافع استراتژیک کشورها در خاورمیانه و دومین متغیر به تعامل عملی آن‌ها در منطقه می‌پردازد.

منافع ملی

مورگنتا^۴ از دانشمندان واقع‌گرای روابط بین‌الملل، ضمن مبهم و تعریف‌ناپذیر دانستن منافع ملی، معتقد است، منافع ملی، راهنما و انگیزه اصلی اقدام همه کشورهای در روابط بین‌الملل است؛ زیرا همه ملت‌ها چاره‌ای جز این ندارند که موجودیت مادی، سیاسی و فرهنگی خود را در مقابل تجاوز و تعدی دیگر ملت‌ها حفظ کنند. پس باید منفعت را در قالب قدرت تعریف کرد. در این صورت منافع ملی، حفظ قدرت هر کشور در استمرار موجودیت آن تعریف می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۷).

واژه منافع ملی نقش کلیدی در درک واقعی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایفا می‌کند، زیرا به‌عنوان محرک اصلی رفتار دولت در روابط بین‌الملل تلقی می‌شود. (Mearsheimer 1994: 320). با این حال، اگر به درستی تعریف نشود، ممکن است مفهوم منافع در روابط سیاسی و بین‌المللی به‌طور کاملاً مبهم مورد استفاده قرار گیرد. منافع استراتژیک کشورهای منتخب که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند، به‌عنوان اهداف نسبتاً مشخصی درک می‌شوند که با حفظ یا افزایش قدرت دولت، در خدمت منافع ملی گسترده‌تر هستند. (Clinton, 1986: 500). منافع استراتژیک بدلیل اینکه بعنوان یک اصل راهنما عمل می‌کند، کمتر انتزاعی هستند. هر دو، منافع استراتژیک خاص و منافع ملی گسترده‌تر، را می‌توان در بیشتر موارد در اسناد استراتژیک ملی، مانند استراتژی‌های دفاعی و/یا امنیتی یافت. بسته به کشور خاص، اصطلاحات ممکن است متفاوت باشد، با این حال، این تمایز دو سطحی منافع ثابت می‌ماند. مفهومی که در این تحلیل به‌عنوان منافع استراتژیک تلقی می‌شود ممکن است به‌عنوان اهداف استراتژیک، اولویت‌ها یا موارد دیگر نیز نامیده شود. منافع استراتژیک متنوع‌تر است زیرا براساس نیازهای خاص هر کشور ایجاد می‌شود. سپس تصمیم‌گیرندگان از آنها

¹ Partnership for Peace programme

² Euro-Atlantic Partnership Council

³ Istanbul Cooperation Initiative

⁴ Hans Joachim Morgenthau

است. جمهوری چک از سال ۲۰۱۵ به منافع چک در چارچوب سیاست خارجی نگاه می‌کند.

منافع استراتژیک

قبل از بررسی منافع خاص جمهوری چک در خاورمیانه، لازم است منافع عمومی امنیتی که مبنای تصمیم‌گیری در مورد ابتکارات ناتو در خاورمیانه است، مرور شود. منافع جمهوری چک در درجه اول در سند استراتژی امنیتی چک (Ministry of Foreign Affairs of the Czech Republic: 2015) معرفی شده است. علاوه بر منافع حیاتی حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، دموکراسی و حقوق بشر، منافی را فهرست می‌کند که استراتژیک محسوب می‌شوند و باید در خدمت تحقق منافع حیاتی باشند. در اینجا منتخبی از منافع استراتژیک که برای تصمیم‌گیری در مورد منافع خاص جمهوری چک مرتبط با خاورمیانه در نظر گرفته می‌شود:

(الف) امنیت و ثبات، به‌ویژه در منطقه پورو آناتلانتیک

(ب) پیشگیری و مدیریت تعامل‌های محلی و منطقه‌ای و کاهش اثرات آن
(ج) تقویت انسجام و کارایی ناتو و اتحادیه اروپا و حفظ پیوند فرآتلانتیکی کاربردی و معتبر

(د) حمایت و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای

(ه) حمایت از ثبات بین‌المللی از طریق همکاری با کشورهای شریک

(و) جلوگیری و سرکوب تهدیدهای امنیتی که بر امنیت جمهوری چک و متحدان آن تأثیر می‌گذارد.

(Ministry of Foreign Affairs of the Czech Republic 2015: 8)

تمامی اسناد راهبردی جمهوری چک با توجه به منافع مشترک با کشورهای متحد، ابعاد چندجانبه منافع خاص فوق‌الذکر را منعکس می‌کنند. منافع امنیتی جمهوری چک فقط در داخل مرزهای آن یا در همسایگی اروپایی آن قرار ندارند، بلکه همانطور که استراتژی امنیتی اشاره می‌کند: «در بسیاری از موارد، منافع امنیتی جمهوری چک باید در مناطقی بسیار فراتر از مرزهای این کشور دفاع شود. کشورهای متحد سیاست امنیتی جمهوری چک نه تنها براساس منافع خاص خود کشور، بلکه براساس همبستگی آن با متحدان ناتو و اتحادیه اروپا اداره می‌شود. برای جمهوری چک مهم است که ناتو انسجام و توانایی خود را حفظ کند. به نفع چک است که ناتو اعتبار و توانایی خود را برای اقدام در مناطق بی‌ثبات خارج از قلمرو خود مانند خاورمیانه حفظ کند در صورت مخالفت، با تقویت جاه‌طلبی‌های روسیه روبه‌رو می‌شود که منجر به خطر افتادن سرزمین متحدان خواهد شد.

منافع در خاورمیانه

مواضع نمایندگان چک معمولاً در انطباق با دستورالعمل‌های مشترک اتحادیه اروپا و ناتو در مورد سیاست خاورمیانه است. با این حال، مناطق معدودی در خاورمیانه وجود دارد که جمهوری چک رویکرد فعال‌تری را در مقایسه با اکثر کشورهای اروپای شرقی انتخاب کند (Čejka, Daniel & Lubin 2018: 184).

- ثبات منطقه

بیشتر منافع سیاست خارجی جمهوری چک در منطقه‌ی خاورمیانه ارتباط تنگاتنگی با امنیت دارد. پیش‌بینی می‌شود که بی‌ثباتی منطقه‌ای خاورمیانه یک تهدید امنیتی احتمالی برای چک و کشورهای متحد آن باشد. سیاست خارجی چک (Czech Foreign Policy, 2015: 5) مفهوم خاورمیانه را در کنار اروپای شرقی، بالکان، شمال آفریقا و ساحل، یکی از مناطقی می‌داند که در خط مقدم منافع امنیتی چک قرار دارد. به‌طور مشابه، استراتژی امنیتی (Security Strategy 2015: 17) ناآرامی‌های فزاینده در خاورمیانه را به‌عنوان یک تهدید امنیتی احتمالی می‌شناسد که در همکاری با متحدان باید کاهش

استفاده می‌کنند یا بهتر است بگوییم قرار است از آنها به‌عنوان راهنما در هنگام طراحی سیاست‌های جدید استفاده کنند. با توجه به موضوع، این تحلیل بر آن دسته از منافع استراتژیک که مربوط به منطقه خاورمیانه هستند، تمرکز دارد.

سطح مشارکت

سطح واقعی مشارکت در ابتکارات ناتو در خاورمیانه ممکن است بینش دیگری از چشم‌انداز کشورهای حاشیه شرقی ارائه دهد. تعامل بعنوان شکلی از مشارکت در ابتکارات ناتو درک می‌شود که نشان‌دهنده توانایی کشور در اتخاذ تصمیمات سیاسی و در نتیجه اجرای آنها است (Stewart, 2009: 10). در راستای این ابتکارات، کار به دو بخش تقسیم می‌شود، در حالی که هیچ کدام برتر از دیگری تلقی نمی‌شود. اولین مورد به تعامل نظامی در منطقه، در این مورد به ماموریت ناتو در عراق، مربوط می‌شود. در این راستا، تعداد و انواع کمک‌های سربازان مقایسه شده است. بخش دوم بر مشارکت در مشارکت‌های ناتو، گفتگوی مدیرانه‌ای و ابتکار همکاری استانبول تمرکز دارد. این تحقیق به این موضوع می‌پردازد که آیا کشورها از این مشارکت‌ها استفاده می‌کنند و اگر بله، چگونه و تا چه حد. پس از تجزیه و تحلیل کیفی بخش‌های نظامی و مشارکتی، سطح کلی مشارکت دو کشور جمهوری چک و لهستان را در ابتکارات ناتو در خاورمیانه را در قالب جدول مقایسه می‌کنیم.

جمهوری چک

جمهوری چک یک کشور اروپایی کوچک با جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفر و مساحت ۷۵۸۶۶ کیلومتر مربع است. این کشور در اروپای مرکزی و در غرب جناح شرقی ناتو واقع شده است. این کشور با اعضای ناتو و اتریش احاطه شده است که وضعیت یک کشور بی‌طرف را حفظ می‌کند. موقعیت مرکزی جمهوری چک، اهمیت ژئواستراتژیک آن را برای اتحاد ناتو، بیش از پیش دارای اهمیت نموده است. این کشور در سال ۱۹۹۹ به‌همراه لهستان و مجارستان به‌عنوان اولین کشورهای بلوک شرق سابق به عضویت ناتو درآمد. در سال ۲۰۱۹، نیروهای مسلح چک ۲۰۹۰۰^۱ سرباز داشت، هزینه‌های دفاعی آن در دهه گذشته بسیار کم بوده است و در حدود ۱٪ تولید ناخالص داخلی در نوسان بوده است (NATO: 2019).

دولت جمهوری چک به رهبری نخست‌وزیر، بازیگر اصلی سیاست خارجی و امنیتی چک است که شامل مواضع در قبال ناتو و خاورمیانه است. دولت معمولاً وظایف سیاست‌گذاری را به وزارتخانه‌های مربوطه، وزارت امور خارجه و وزارت دفاع محول می‌کند. رئیس‌جمهور جمهوری چک نقش مشاوره‌ای و دیپلماتیک خاصی را ایفا می‌کند، اما صلاحیت تأثیرگذاری اساسی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست نهایی را ندارد. از زمان الحاق چک به ناتو در سال ۱۹۹۹، موضع ملی چک در قبال ناتو و همچنین خاورمیانه، به‌ویژه در میان دو دولت آخر بوهوسلاو سوپوتکا از سال ۲۰۱۴ تا انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۷ و دولت جانشین آندری بابیش، ثابت است. از سال ۲۰۱۷ تاکنون برخی کارشناسان لفاظی‌های میلووش زمان رئیس‌جمهور چک را مورد انتقاد قرار می‌دهند که گاهی با موضع رسمی اعلام شده توسط دولت متفاوت است. به‌طور کلی، سیاست خارجی و امنیتی چک در چارچوب‌های چندجانبه، بیش از همه در ناتو و اتحادیه اروپا استوار است. (Kaválek, 2016: 14)

اهمیت چندجانبه‌گرایی و ارتباط آن با امنیت جمهوری چک در اسناد راهبردی ملی منعکس شده است. استراتژی امنیتی جمهوری چک از سال ۲۰۱۵ منافع اساسی امنیتی چک را تعیین می‌کند. سپس اجرای آنها در حوزه دفاعی و نیروهای مسلح در استراتژی دفاعی ۲۰۱۷ توضیح داده شده

دارد. «مشارکت فعال در مأموریت‌های حفظ صلح و مدیریت بحران در خارج از مرزهای ما برای مقابله با تعامل‌های محلی و منطقه‌ای و کاهش اثرات آن مؤثر است. این مأموریت‌ها بیش از هر چیز در چارچوب ناتو انجام می‌شود» (Ministry of Foreign Affairs, 2015: 5) مشارکت نیروهای مسلح چک در عملیات‌ها و تمرین‌های آموزشی مستقر ناتو را می‌توان بخشی از آمادگی برای دفاع دسته‌جمعی از قلمرو متحدان دانست (Ministry of Republic, 2017:6)

در چارچوب ناتو، جمهوری چک آماده مشارکت در عملیات مدیریت بحران، قبل از مناقشه، هنگام مناقشه و موقعیت‌های پس از مناقشه و جنگ است. بخش دیگری از تعامل، ایجاد ظرفیت، از طریق آموزش نیروهای محلی و کمک به اصلاحات نظامی با استقرار کارشناسان غیرنظامی و نظامی است (Foreign Affairs of the Czech Republic 2015a: 15; ibid 2015b: 8) با این حال، مشارکت در این مأموریت باید با منافع ملی توجیه شود و با قابلیت‌های موجود جمهوری چک مطابقت داشته باشد تنها صدای مرتبطی که خواستار سیاست مداخله جویانه‌تر در خاورمیانه است، میلوش زمان، رئیس‌جمهور چک است. او بارها خواستار اقدام نظامی علیه داعش شد. اما این نظرات توسط نمایندگان دولت رد شده است (Kaválek 2016: 8).

مأموریت ناتو در عراق

نیروهای مسلح چک بعنوان بخشی از ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به‌طور فعال در عراق در عملیات عزم راسخ^۴ شرکت کرده‌اند. نیروهای چک در مارس ۲۰۱۹، چهار ماه پس از آغاز مأموریت علیه داعش در اکتبر ۲۰۱۸، به مأموریت ناتو در عراق پیوستند. بمنظور هماهنگی تعامل چک در هر دو این مأموریت (عملیات عزم راسخ و مأموریت علیه داعش)، گروه ویژه نیروهای مسلح چک در عراق در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ تأسیس شد. این گروه فرماندهی و پشتیبانی لجستیکی را به تمام واحدهای چک در عراق از مقر خود در پایگاه التاجی در عراق ارائه می‌دهد (Czech Armed Forces: 2018). در سال ۲۰۱۹، وزارت دفاع موظف شد ۱۱۰ نفر را به هر دو مأموریت ناتو در عراق بفرستد. تا ژوئن ۲۰۱۹، ۶۶ سرباز چک در عراق مستقر بودند و از ژوئن این تعداد فقط ۳۸ سرباز بود. این کاهش پرسنل نظامی چک در عراق ناشی از عقب‌نشینی ششمین تیم مستشاری هوایی در عملیات عزم راسخ است که وظیفه آموزش خلبانان عراقی را به پایان رسانده است. (Babiš, 2020: 7) برنامه آموزشی مأموریت ناتو در عراق برای حرفه‌ای کردن پلیس فدرال و پلیس نفت عراق به رهبری کارابینری ایتالیایی، ۷ نفر از پلیس نظامی چک به همراه ۵ نفر از پلیس چک در پایگاه دوبلین در بغداد مشغول به کار شدند. در پایگاه التاجی ۱۳ نفر از نیروهای هنگ سی و یکم حفاظت رادیولوژیکی، شیمیایی و بیولوژیکی در رزمایش ارتش عراق در زمینه دفاع در برابر سلاح‌های کشتار جمعی شرکت کردند. چهار افسر چک در ساختار فرماندهی مأموریت ناتو در عراق مستقر شدند، در سمت‌هایی چون: افسر ارشد برای آموزش، افسر ارشد ستاد برای منابع انسانی، افسر ستاد - مشاور حقوقی، و افسر ارشد ستاد - دستیار برای هماهنگی حمل‌ونقل. برای تعامل چک در عراق، در هر دو مأموریت CZK ۳۰۹۹۰۰۰۰ تقریباً ۱۱۸۳۰۰۰ یورو اختصاص یافت. اما پس از تغییرات، بودجه مأموریت به ۱۲۰۹۸۱۰۰۰ تقریباً ۴۵۹۲۰۰۰ یورو افزایش یافت. (Babiš 2020: 18) این ارقام نهایی نشان می‌دهند که مأموریت ناتو در عراق چهارمین عملیات خارجی پرهزینه نیروهای مسلح چک از مجموع ۱۵ عملیات، است. این هزینه همچنین ۸ درصد از بودجه کلی عملیات خارجی که ۵۱۰ ۵۱۰۳۰۹۰۰۰ تقریباً ۳۳۵۵۷۰۰۰ یورو بود را تشکیل می‌داد.

یابد. در نهایت، استراتژی دفاعی، بی‌ثباتی از شمال آفریقا تا افغانستان را به‌عنوان منبع احتمالی تهدید می‌شناسد. استراتژی دفاعی فهرست تهدیدهای خاصی را که از وضعیت بی‌ثبات در خاورمیانه ناشی می‌شود، فهرست می‌کند؛ مانند داعش و دیگر بازیگران غیردولتی، رادیکالیزه شدن، افراط‌گرایی، تروریسم، پدیده جنگجویان خارجی و کاهش مهاجرت غیرقانونی به اتحادیه اروپا.

درواقع؛ ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش تهدیدات نوظهور ممکن است به‌عنوان منافع اصلی جمهوری چک در خاورمیانه تعیین شود. با توجه به اندازه و موقعیت قدرت آن، برای جمهوری چک غیرواقعی است که بخواهد ثبات منطقه را به‌تنهایی ایجاد کند، اما بیشتر هدفش کمک به این ثبات است. یکی از اهدافی که از تثبیت بلندمدت حاصل شده است، بر اساس گفته‌های وزارت امور خارجه چک، کاهش فشارهای مهاجرتی است. از اهداف جمهوری چک حمایت از دولت عراق در مبارزه با تروریسم و علیه سازمان دولت اسلامی است. این کشور متعهد به کمک‌های بشردوستانه و بازسازی پس از جنگ است. این هدف کلی برای ایجاد ثبات در خاورمیانه به‌طور گسترده توسط کل طیف سیاسی پذیرفته شده است، با این وجود نظرات مختلفی در مورد چگونگی دستیابی به آن وجود دارد (Kaválek 2016: 5).

صادرات تسلیحات

در خاورمیانه، منافع امنیتی چک بر سایر حوزه‌های منافع برتری دارد، منافع اقتصادی در منطقه نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. افزایش صادرات به کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه موضوع دیپلماسی اقتصادی جمهوری چک است. (Čejka, Daniel & Lubin 2018: 183) در زمینه همکاری اقتصادی، مفهوم سیاست خارجی چک مشارکت با اسرائیل و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را برجسته می‌کند. عراق به‌عنوان یک کشور اولویت دار برای استراتژی صادرات چک تا سال ۲۰۲۰ تعیین شد. کشورهای خاورمیانه نیز بازار مهمی برای صادرات تسلیحات هستند که شاخه سنتی صنعت چک بوده است. اطلاعات مربوط به صادرات اسلحه اغلب طبقه بندی شده است، با این حال جمهوری چک به صادرات تسلیحات به کشورهای بحث برانگیز مانند مصر، عربستان سعودی یا امارات معروف است. از آنجایی که عراق به‌عنوان کشور اولویت‌دار برای استراتژی صادرات چک به سمت خاورمیانه شناخته شده است، صنعت تسلیحات چک از دولت محلی کردستان و دولت در بغداد با تسلیحات و تجهیزات نظامی با هواپیماهای ال ۱۵۹^۱، تانک‌های تی ۷۲ یا تراپری بی.وی.بی^۲ حمایت می‌کند. وزارت دفاع چک همچنین مہمات و سایر تجهیزات را به دولت محلی کردها می‌رساند (Security magazin: 2015).

سطح تعامل

جمهوری چک می‌تواند از چند طریق عملی، مشارکت در عملیات‌های نظامی و غیرنظامی یا از طریق ایجاد و اعمال سیاست‌ها، به دستیابی به منافع خود در خاورمیانه کمک کند. (Stojar et al. 2020: 5) هنگامی که نیروهای چک در برنامه‌ها و سیاست‌های ناتو شرکت می‌کنند، به انسجام و توانایی اتحاد کمک می‌کنند.

(Ministry of Foreign Affairs of the Czech Republic 2015a: 15)

چک با توجه به درک منافع مشترک امنیتی در خارج از مرزهای خود، بیان می‌کند که: ابزارهای مورد استفاده برای حفاظت از منافع استراتژیک و سایر منافع امنیتی مهم جمهوری چک به ماهیت خاص این منافع بستگی

¹ L-159

² T-72

³ BVP

⁴ Operation Inherent Resolve

مشارکت های ناتو

در استراتژی امنیتی (Ministry of Foreign Affairs of the Czech Republic 2015a: 15) به صراحت بیان شده است که جمهوری چک از ایجاد مشارکت با کشورهای مربوطه در چارچوب ناتو حمایت می‌کند. اولین فرصت برای جمهوری چک برای شرکت در یکی از مشارکت های ناتو در سال ۲۰۰۵ بود، زمانی که به ریاست دوره‌ای ناتو منصوب شد. ریاست جمهوری چک دو سال به طول انجامید و سپس برای دو سال دیگر تا سال ۲۰۰۹ تمدید شد. نقش چک بعنوان نقطه تماس، کمک به تحقق تعدادی از برنامه‌های ناتو در زمینه‌های دیپلماسی عمومی، همکاری مدنی و نظامی و آموزش بود. سفارت چک در تل‌آویو همچنین مذاکراتی را بین ناتو و اسرائیل در چندین پلتفرم مختلف از جمله فرمت شورای اتلانتیک شمالی+۱ آغاز کرد (Bureš 2008:278).

در سال ۲۰۱۵ جمهوری چک براساس اسناد فاش شده ارتش ترکیه، یکی از کشورهای مخالف ادعای ترکیه مبنی بر اخذ رأی جداگانه در شورای اتلانتیک شمالی برای تأیید هر عملیات در چارچوب گفتگوهای مدیریتانه بود. ترکیه باید سعی می‌کرد از این رأی‌گیری استفاده کند (که باید به اتفاق آرا باشد) تا مشارکت اسرائیل و مصر در تمرین مشترک ناتو را محدود کند. جمهوری چک، همراه با ایالات متحده و ۴ کشور دیگر، استدلال کردند که این امر همکاری ناتو با شرکا را تضعیف می‌کند (Nordic Monitor: 2019).

ارتش چک همچنین به آموزش دفاع شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای کمک کرد. از طریق نقطه تماس ناتو چک در اردن، خلبانان زن اردنی در نمایشگاه هوایی ناتو در سال ۲۰۱۷ در شهر استراوا جمهوری چک شرکت کردند. در چارچوب گفتگوی مدیریتانه، دانشمندان چک با شرکای خود از کشورهای گفتگوهای مدیریتانه در پروژه‌های مربوط به مبارزه با تروریسم و سایر تهدیدات امنیتی همکاری می‌کنند. این برنامه‌های تحقیقاتی تحت عنوان، برنامه علم برای صلح و امنیت ناتو قرار می‌گیرند و به‌طور خاص بر روی هوش مصنوعی، سیستم‌های ارتباطی، علوم داده و سایر رشته‌ها متمرکز هستند. به‌جز برنامه‌ای که توسط دانشگاه‌های چک پشتیبانی می‌شود، جمهوری چک در چندین نوبت میزبان دوره آموزشی در مرکز عالی امنیت سایبری خود در ویشکوف بود که شامل شرکای کشورهای گفتگوهای مدیریتانه و ابتکار همکاری استانبول مانند اردن، مصر و امارات متحده عربی بود (Nato:2015).

روابط چک با کشورهای ابتکار همکاری استانبول (و به طور کلی کشورهای خلیج فارس) بسیار کم‌رنگ بود. تنها فعالیت، علاوه بر جلسات استاندارد معمول دیپلماتیک در بروکسل، آموزش بود. آموزش‌های امنیت سایبری همچنین تحت چارچوب علم ناتو صلح و امنیت است و در مرکز منطقه‌ای ابتکار همکاری استانبول در کویت شرکت می‌کند. مرکز عالی دفاع امنیت سایبری از جمهوری چک از طریق سخنرانی‌ها، تمرین‌های روی میز و به اشتراک گذاشتن تجربیات از آمادگی شرکای ابتکار همکاری استانبول و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس در برابر حوادث احتمالی امنیت سایبری حمایت می‌کند.

لهستان

مساحت ۳۱۲۶۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت تقریباً ۳۸ میلیونی، لهستان را از هر دو جنبه به بزرگترین کشور جناح شرقی ناتو تبدیل می‌کند. لهستان

در اروپای مرکزی با دسترسی به دریای بالتیک در شمال واقع شده است. این کشور تا حدی با کشورهای اعضای متحد ناتو احاطه شده است، به جز کالینینگراد در شمال، و بلاروس و اوکراین در شرق. موقعیت لهستان بعنوان کشوری در مجاورت روسیه بر اهمیت استراتژیک آن به‌عنوان کشور حمل و نقل به کشورهای بالتیک، افزوده است. لهستان در سال ۱۹۹۹ به‌همراه جمهوری چک و مجارستان به عنوان اولین کشورهای بلوک شرق پس از شوروی به عضویت ناتو درآمد. از آن زمان این کشور به دلیل حمایت از همکاری‌های فرآتلانتیک از طریق ناتو و تضمین امنیت ایالات متحده در اروپا شناخته شده است. (Goure: 2020).

این نگرش در سطح کلی در نتیجه‌ی هزینه‌های دفاعی لهستان که در دهه گذشته حول آستانه ۲ درصد تولید ناخالص داخلی در نوسان بود، شکل گرفته است (NATO, 2019:8). تعداد پرسنل نظامی فعال لهستان در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۱۸۵۰۰ نفر بود. سیاست خارجی لهستان توسط سه بازیگر اصلی (وزیر امور خارجه، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر) هدایت می‌شود که صلاحیت‌های آنها مکمل یکدیگر بوده و گاهی با هم هم‌پوشانی دارند. مسئولیت اصلی اجرای سیاست خارجی بر عهده نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه است از آنجایی که نظام سیاسی لهستان را می‌توان جمهوری نیمه ریاستی نامید، اختیارات رئیس‌جمهور در برخی زمینه‌ها از جمله نمایندگی سیاست خارجی کشور تقویت می‌شود. قانون اساسی مقرر می‌دارد که این سه بازیگر باید در امور خارجی همکاری کنند، اما جزئیات همکاری را بیان نمی‌کند. بنابراین، بسته به اینکه دو رهبر از احزاب مخالف باشند، این روال می‌تواند منجر به تنش بین نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شود. اینکه رئیس‌جمهور تا چه اندازه در امور دخالت می‌کند، بستگی به رهبر دارد. رئیس‌جمهور فعلی آندری دودا را می‌توان در حوزه روابط خارجی بسیار فعال در نظر گرفت (Vorozheina, 2017:8).

منافع استراتژیک

استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۴، منافع امنیت ملی لهستان را به‌عنوان بالاترین سطح منافع و به‌دنبال آن اهداف امنیتی استراتژیک خاص‌تری تعیین می‌کند. منافع امنیت ملی شامل فهرستی از منافع استاندارد مانند حفاظت از شهروندان، حقوق و آزادی آنها، امنیت و دفاع در برابر تهدیدات احتمالی است. موقعیت بین‌المللی قوی لهستان و عضویت در سیستم‌های امنیتی بین‌المللی قابل اعتماد به‌عنوان یکی از منافع اصلی در استراتژی لهستان قرار دارد. (Government of Poland 2014: 10).

اهداف امنیتی استراتژیک لهستان را می‌توان بصورت زیر لیست نمود:

- ۱- توسعه قابلیت‌های دفاعی و حفاظتی که متناسب با نیازها و ظرفیت‌های دولت باشد، و همچنین افزایش قابلیت همکاری آنها در ناتو و اتحادیه اروپا.
- ۲- تقویت آمادگی و توانایی ناتو برای ارائه دفاع دسته جمعی و همچنین انسجام اقدامات اتحادیه اروپا در زمینه امنیت و ایجاد موقعیت قوی لهستان در دو سازمان ناتو و اتحادیه اروپا
- ۳- توسعه همکاری نزدیک با همه همسایگان و ایجاد روابط مشارکتی با سایر دولت‌ها با هدف جلوگیری و حل مناقشات و بحران‌های بین‌المللی.
- ۴- ترویج اصول حقوق بین‌الملل و ارزش‌های جهانی مانند دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های مدنی و همچنین افزایش آگاهی جامعه لهستان از حقوق بشر و حقوق مدنی در عرصه بین‌المللی.

خاورمیانه، لهستان نیز نگران فعالیت‌های روسیه در منطقه است. براساس استراتژی سیاست خارجی، دخالت روسیه در درگیری سوریه، وضعیت را بی‌ثبات می‌کند و می‌توان آن را یک جنگ نیابتی علیه غرب در نظر گرفت. آنها دخالت روسیه در خاورمیانه را راهی برای تضعیف امنیت در همسایگی جنوبی اروپا می‌دانند، همانطور که روسیه با مداخله در اوکراین و در شرق این کار را کرد (Ministry of Foreign Affairs Republic of Poland 2017: 7).

گسترش اقتصادی به منطقه خاورمیانه

گسترش اقتصادی به کشورهای مناطق دورتر، از منافع اصلی تعیین شده توسط استراتژی سیاست خارجی لهستان است. مناطق هدف برای توسعه بیشتر روابط اقتصادی، از جمله، منطقه خاورمیانه را نیز شامل می‌شود. با توجه به اینکه روابط اقتصادی بین لهستان و کشورهای منطقه مدیترانه در چند دهه اخیر نسبتاً پایین بوده است، فضای زیادی برای تشدید همکاری وجود دارد. به‌عنوان مثال، در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ گردش مالی تجاری لهستان با کشورهای منطقه خاورمیانه از ۱٪ کل مبادلات تجاری لهستان تجاوز نکرد (Sasnal 2020: 317). فعال‌ترین شرکای اقتصادی لهستان در منطقه خاورمیانه اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس مانند امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر هستند. منافع لهستان در حوزه اقتصادی در دو جهت است. از یک طرف، هدف لهستان معرفی محصولات لهستانی به بازارهای جدید در منطقه، با تعمیق روابط موجود و ایجاد روابط جدید است از طرف دیگر تمرکز ویژه بر صادرات منابع طبیعی است که لهستان دارای فراوانی است. اولویت طبق استراتژی خارجی لهستان، مواد خام به‌ویژه زغال سنگ است. از سوی دیگر، لهستان علاقه‌مند به حفظ امنیت انرژی با تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود است. در این راستا، کشورهای منطقه خاورمیانه تامین‌کنندگان مهم منابع مختلف انرژی هستند به‌عنوان مثال، قرارداد ۲۰۰۸ با قطر، به لهستان عرضه گاز طبیعی مایع را ارائه می‌دهد. لهستان علاوه بر همکاری با امارات و عربستان سعودی، پتانسیل همکاری با ایران را در زمینه انرژی نیز دارد (Waszczykowski, 2016: 27). به همین دلیل است که وزیر امور خارجه از تصمیم اتحادیه اروپا برای لغو تحریم‌های اقتصادی بر سر توافق هسته‌ای (برجام) استقبال کرد. با این حال، پس از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸، موضع لهستان بر این اساس تغییر کرد. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۹ لهستان میزبان کنفرانسی بین‌المللی بود که رسماً به‌عنوان «حامی ارتقای آینده صلح و امنیت در خاورمیانه»^۱ نام‌گذاری شد که اغلب به‌عنوان کنفرانس «ضد ایران» خوانده می‌شود. بیش از شصت کشور از جمله اکثر کشورهای عربی و اسرائیل در این کنفرانس شرکت کردند. انتخاب لهستان به‌عنوان کشور میزبان برای این نوع کنفرانس، با توجه به علاقه کم آن به ایران، ممکن است غیرعادی به نظر برسد. بنابراین، این گام به‌عنوان یک گام الزام‌آور دیگر به سمت ایالات متحده تعبیر شد تا آنها مایل به ایجاد حضور دائمی در خاک لهستان باشند (Buras: 2019).

تعامل نظامی

مشارکت در عملیات بین‌المللی ناتو راهی است که از طریق آن لهستان می‌تواند از انسجام اتحاد حمایت کند و وضعیت را در مناطق درگیری مستقیماً تثبیت کند. استراتژی سیاست خارجی وظیفه "شرکت در ماموریت‌های خارج از منطقه توسط ناتو" را تعیین می‌کند. علاوه بر این، انگیزه‌ای برای نیروهای مسلح لهستان برای حفظ سطوح لازم از نیروها و منابع است، به‌طوری که آنها قادر به شرکت در انواع مختلف عملیات در

این اهداف استراتژیک به‌وضوح نشان می‌دهد که لهستان به طور جدایی‌ناپذیر به ساختارهای غربی تعلق دارد. ناتو مهمترین سازمان برای همکاری سیاسی و نظامی با کشورهای متحد است. از سوی دیگر اتحادیه اروپا به عنوان حامی اجتماعی-اقتصادی و ایالات متحده به عنوان مهم‌ترین شریک لهستان است. همچنین، استراتژی سیاست خارجی لهستان، نقش ناتو را به‌عنوان ضامن امنیت در اروپا و به‌عنوان هدف استراتژیک خود توصیف می‌کند. هر دو استراتژی بر اهمیت حمایت از کشورهای مشارکت شرقی در اصلاحات و تلاش‌های آنها برای نزدیک شدن به اتحادیه اروپا و ناتو تأکید می‌کنند.

استراتژی امنیت ملی لهستان، به حمله‌ی روسیه به اوکراین و به‌طور مستقیم به وخامت امنیت در اروپا واکنش نشان می‌دهد و بیان می‌دارد که تهدید روسیه ارتباط نزدیکی با نگرانی در مورد کاهش حضور ایالات متحده در اروپا و تمرکز مجدد سیاست خارجی ایالات متحده به سایر مناطق جهان دارد. استراتژی امنیت ملی می‌گوید: «لهستان احتمالاً گسترده‌ترین حضور نظامی ایالات متحده در اروپا، تلاش خواهد کرد و از فعالیت‌هایی برای حفظ ضمانت امنیتی ایالات متحده برای اروپا طرفداری می‌کند» علاوه بر این، لهستان تهدیدهای تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و از دست دادن مداوم اعتبار توافق‌نامه‌های خلع سلاح را تصدیق می‌کند. همچنین بر حوزه سایبری تمرکز دارد که بر هر جنبه از امنیت ملی تأثیر می‌گذارد. (Government of Poland, 2014:9)

منافع در خاورمیانه

استراتژی امنیت ملی لهستان سخنی از خاورمیانه بمیان نمی‌آورد، به جز ذکر مختصری که بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا «یک چالش جدی برای امنیت اروپا است». دلیل این عدم توجه در اسناد راهبردی لهستان را احتمالاً می‌توان با تهاجم روسیه به اوکراین توضیح داد که تمرکز سیاست امنیتی لهستان را از بین برده بود. در حالی که خاورمیانه قطعاً در مرکز منافع لهستان نیست، این کشور همچنان به این منطقه توجه دارد و آن را "به عنوان منطقه‌ای با فرصت‌ها و چالش‌های جدی" می‌بیند (Waszczykowski, 2016: 23). این تصور از تهدیدها و فرصت‌ها عموماً به منافی که لهستان در منطقه دنبال می‌کند، منعکس می‌شوند.

متوازن کردن توجه ناتو به جناح شرقی و جنوبی

از آنجایی که سیاست خارجی لهستان عمدتاً بر جهت‌های فراآتلانتیکی و شرقی متمرکز است، اکثریت قریب به اتفاق منافع لهستان در خاورمیانه با منافع ایالات متحده و به میزان کمتر با سایر متحدان ناتو و اتحادیه اروپا گره خورده است. از آنجایی که یکی از منافع اصلی امنیتی لهستان حفظ و افزایش حضور ایالات متحده در اروپا به منظور ارائه تضمین امنیتی برای لهستان است، این کشور به‌طور مستمر بر ضرورت ایجاد توازن (با توجه به مناطق مختلف در سراسر جهان) بین جناح‌های جنوبی و شرقی ناتو تأکید می‌کند. این ویژگی مبادله‌ای منافع لهستان در منطقه خاورمیانه در استراتژی سیاست خارجی آن منعکس شده است، جایی که اهمیت همبستگی با اعضای متحد ناتو را از طریق عملیات در دریای مدیترانه برجسته می‌کند. به گفته وزیر امور خارجه سابق ویتولد واسزیکوفسکی، لهستان تلاش می‌کند تا سیاست خارجی ایالات متحده را به سمت شرق علاقه‌مند نگه دارد تا فراموش نشود نباید نیازی به رقابت برای جلب توجه ایالات متحده با مکان‌های دیگر مانند خاورمیانه داشته باشد. بنابراین، مشارکت لهستان در ابتکارات منطقه خاورمیانه اغلب راهی برای نشان دادن متحدی معتبر است که از منافع سایر کشورهای ناتو در منطقه خاورمیانه حمایت می‌کند و در مورد چالش‌های امنیتی لهستان که با آن مواجه است، لهستان نیز انتظار حمایت از اعضای ناتو را دارد. در مورد

¹ Ministerial to Promote a Future of Peace and Security in the Middle East

شریک شرکت کردند. همکاری علمی در زمینه امنیت سایبری، فناوری‌ها و برنامه زنان، صلح و امنیت در این رویداد اجرا گردید. لهستان قصد دارد مشارکت خود را در این برنامه افزایش دهد، زیرا این برنامه "ابزاری کلیدی در ترویج همکاری علمی فراملی برای تقویت نه تنها صلح و امنیت در داخل ناتو، بلکه با کشورهای شریک" در نظر گرفته می‌شود. (NATO 2018b)

سطح تعامل

همه کشورهای مشارکت در عملیات ناتو کمک‌های مالی و نظامی به ائتلاف می‌دهند بنابراین، همه آنها در مأموریت ناتو در عراق نیز شرکت می‌کنند، اما برخی فعال‌تر از دیگران‌اند. تفاوت را می‌توان در درجه اول در تعداد پرسنل مستقر در مأموریت مشاهده کرد، با توجه به اینکه مأموریت ناتو در عراق به‌طور کلی یک عملیات کوچکتر ناتو است، با حدود ۵۸۰ پرسنل از تمام کشورهای عضو. در این زمینه، مشارکت لهستان با یکصد سرباز، لهستان را به همراه کانادا و اسپانیا در میان سه کشور فعال در این مأموریت قرار می‌دهد. برای مثال، کانادا به عنوان یک کشور پیشرو در مأموریت ناتو در عراق ۲۵۰ سرباز مستقر کرد. واضح‌تر از این که کشورها چقدر به تعامل مستقیم در مأموریت ناتو در عراق اهمیت می‌دهند، درصد سربازان در عملیات را از تعداد کل نیروهای مستقر در عملیات خارجی نشان می‌دهد - کشورهایی که به روسیه بلحاظ جغرافیایی نزدیک‌تر هستند و احتمال حمله به خاک خود را دارند، طبیعتاً مشارکت کمتری در مأموریت‌های بین‌المللی دارند زیرا نیاز به حفظ قابلیت‌های دفاعی خود دارند. این را می‌توان در مورد جمهوری چک مشاهده کرد که با هیچ تهدید فوری روبرو نیست و بنابراین می‌تواند تقریباً ۴ درصد از ارتش خود را به خارج از کشور اعزام کند.

شکل ۱: تعداد و درصد پرسنل چک و لهستان در عملیات خارجی و در مأموریت ناتو در عراق

جمهوری چک		لهستان
سربازان خارج از کشورهایشان	۹۸۲	۲۰۴۷
درصد کل پرسنل نظامی	۳.۹۳ درصد	۰.۷۳ درصد
سربازان مستقر در مأموریت ناتو در عراق	۲۹	۱۰۰
سربازان خارج از کشور (درصد)	۲.۹۵ درصد	۰.۸۹ درصد

هر کشور، واحد یا واحدهایی با تخصص‌های مختلف به مأموریت ناتو در عراق می‌فرستد. در حالی که همه آنها نقش مستشاری برای ارتش عراق دارند، یکی از جوخه‌های لهستانی امنیت مأموریت را برعهده می‌گیرد شایان ذکر است، نیروهای چک دارای چهار عضو در ساختار فرماندهی مأموریت ناتو در عراق هستند. اهمیت مأموریت ناتو در عراق در سخنان رهبری سیاسی و نیروهای مسلح هر کشور نیز منعکس شده است. کشورهای بسیار درگیر، مانند لهستان و جمهوری چک، تلاش می‌کنند مشارکت خود را در این مأموریت در رسانه‌ها ترویج دهند.

چارچوب‌های بین‌المللی - یعنی ناتو، اتحادیه اروپا و سازمان ملل (دولت لهستان) هستند. لهستان سابقه مشارکت در مأموریت بین‌المللی در خاورمیانه به سال ۱۹۷۳ از زمانی که در مأموریت‌های تثبیت‌کننده سازمان ملل در اسرائیل و بعداً در یونیفیل در لبنان شرکت کرده است، دارد. وقتی صحبت از عملیات ناتو به میان می‌آید، نیروهای مسلح لهستان در اولین مأموریت آموزشی در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ شرکت کردند (Bojko 2008: 317) با این حال، تنها شباهت این دو مأموریت، جنبه آموزشی است سپس لهستان در ژوئن ۲۰۱۶ به عملیات عزم راسخ به رهبری ایالات متحده پیوست تا از ائتلاف جهانی علیه داعش حمایت کند و تاکنون در آنجا فعالیت کند. نیروهای لهستانی در داخل عملیات عزم راسخ نه تنها در عراق، بلکه در اردن، کویت و قطر نیز مستقر هستند. در ماه مه ۲۰۱۷ لهستان به عنوان کشور پیشرو در آموزش سربازان عراقی در زمینه تعمیر و نگهداری فن‌آوری‌های رزمی پس از شوروی تبدیل شد. هدف، بهبود توانایی نیروهای عراقی و افزایش دانش آنها در فناوری نظامی است. در داخل عملیات عزم راسخ نیز تیمی از خلبانان لهستانی در کویت مستقر هستند. آخرین گروه نیز شامل نیروهای ویژه است که سربازان را در عراق آموزش می‌دهند با این وجود، تعداد پرسنل نیروهای ویژه در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته است. با این حال، به‌گفته رهبران لهستان، لهستان هیچ تصمیمی در مورد خاورمیانه، خارج از ناتو نخواهد گرفت. لهستان حتی مایل است در صورت لزوم تعامل خود را با عراق تمدید کند (Ministerstwo Obrony Narodowej 2019a).

شراکت لهستان در ناتو

در مورد مشارکت ناتو، اسناد استراتژیک لهستان چندان مشخص نیست. به‌طور طبیعی، تنها هدف سیاست خارجی لهستان، مشارکت شرقی است. مشارکت در خاورمیانه در اسناد ذکر نشده است. به‌طور کلی، لهستان با هدف تثبیت همسایگی اروپا از طریق همکاری با شرکای خود در شرق و جنوب، از طریق تقویت دموکراتیک آنها در نهادها، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری عمل می‌کند. لهستان همچنین طرفدار ایجاد مشارکت ناتو در جنوب است، زیرا به ثبات مناطقی که از تعامل‌ها و تروریسم رنج می‌برند کمک می‌کند. از آنجایی که لهستان قصد دارد این چالش‌ها را فراتر از مرزهای خود نگه دارد، حمایت از شرکای جنوبی گامی منطقی به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، تعامل واقعی با کشورهای شریک منطقه خاورمیانه در سطح بالایی نیست. لهستان هر از گاهی به عنوان میزبان تمرینات ناتو عمل می‌کند که شامل کشورهای شریک منطقه خاورمیانه نیز می‌شود. مانند میزبانی تمرین سبیر ستراک^۱ که در بالتیک و لهستان برگزار می‌شود (Times of Israel: 2018).

لهستان با کشورهای شمال آفریقا نیز همکاری‌هایی انجام داده است، اما در مجموع با کشورهای منطقه خاورمیانه همکاری‌های محدودی دارد. تنها استثنا تمرینات مشترک با اسرائیل است که به طور متناوب در این کشورها انجام می‌شود. (Sasnal 2020: 315)

در حالی که لهستان نمایندگی‌های دیپلماتیک خود را در ۹ کشور شریک گفتگوهای مدیترانه و ابتکار همکاری استانبول دارد، هیچ یک از این سفارت‌ها بعنوان نقطه تماس ناتو خدمت نکرده‌اند. از سوی دیگر، سفارت‌های نقطه تماس در کشورهای مشارکت شرقی و کشورهای اسکاندیناوی داشت. لهستان همچنین با کشورهای گفتگوهای مدیترانه و ابتکار همکاری استانبول در برنامه علم برای صلح و امنیت ناتو همکاری می‌کند. در سال ۲۰۱۸ ورشو میزبان رویدادی برای این برنامه بود که در آن کارشناسانی از کشورهای

¹ Saber Strike

بر اساس این معیارها، آنها می‌توانند پیشرونده یا منفعل باشند. این مفروضات نهایی نشان می‌دهند که بایستی تحقیقات بیشتری در مورد این موضوع، در مورد کشورهای حاشیه شرقی که بخشی از این تحلیل نبودند، انجام شود. با این وجود، نتایج این کار ممکن است آزمایش شود و به عنوان یک راهنما برای تجزیه و تحلیل سایر کشورهای حاشیه شرقی باشد.

۳- نتیجه گیری

نقش ناتو در خاورمیانه موضوع بسیار پیچیده‌ای است که می‌توان از زوایای مختلف به آن نگاه کرد. این تحقیق با هدف بررسی نقش دو کشور جمهوری چک و لهستان (بعنوان دو کشور جناح شرقی ناتو) در خاورمیانه انجام گرفت. تجزیه و تحلیل تطبیقی نشان داد که در حالی که جنبه‌های مشترک زیادی بین دو کشور وجود دارد، موضع کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در رابطه با مداخله در خاورمیانه یکسان نیست. همانطور که فرض می‌شود، تمرکز امنیتی برای جناح شرقی در درجه اول به سمت روسیه و همکاری با کشورهای شرقی است. به همین دلیل، با توجه به توانایی‌های محدود هر کشور، آنها در اکثر موضوعات اصلی با موضع رسمی ناتو و یا ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمونیک در ناتو روبه‌رو می‌شوند. با این وجود، هر یک از دو کشور مورد تجزیه و تحلیل، منافع خاصی را در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کنند که دامنه تمرکز منافع آنها متفاوت است. بطور مثال لهستان، عمدتاً به منطقه خاورمیانه توجه دارد زیرا انتظار دارد در ازای آن، توجه ایالات متحده و سایر اعضای ائتلاف به مسائل امنیت ملی لهستان جلب شود. به‌نظر می‌رسد این استراتژی از زمانی که لهستان موفق شد به هدف خود برای حضور نظامی دائمی ایالات متحده دست یابد، موفقیت آمیز است. اگرچه نمی‌توان مطمئن بود که دخالت خاص لهستان در خاورمیانه تا چه اندازه به این هدف کمک کرده است، اما مطمئناً تصویر لهستان را به عنوان یک متحد وفادار بهبود بخشیده است. مورد لهستان ممکن است به عنوان نمونه‌ای برای سایر کشورها باشد که مایلند توجه بیشتر اعضای ناتو را به منافع امنیت ملی خود جلب کنند. علاوه بر این، دو کشور جمهوری چک و لهستان منفعی در ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش تهدیدات احتمالی مانند تروریسم و مهاجرت غیرقانونی که از بی‌ثباتی منطقه ناشی می‌شود، دارند.

دو کشور مورد مطالعه منافع اقتصادی در خاورمیانه دارند، و همچنین منافع خاص جمهوری چک در مشارکت چک با اسرائیل دارد. در حوزه تعامل نظامی، فضای زیادی برای افزایش مشارکت وجود ندارد. ناتو تنها یک عملیات در خاورمیانه دارد: مأموریت ناتو در عراق، با پرسنل محدود. دو کشور مورد تجزیه و تحلیل در این مأموریت مشارکت دارند. که این امر پتانسیل بیشتری برای مشارکت بیشتر در مشارکت‌های گفتگوی مدیترانه و ابتکار همکاری استانبول را فراهم می‌کند، که به طور کامل توسط کشورهای حاشیه شرقی استفاده نمی‌شود. این مشارکت‌ها در واقع ابزارهای مختلفی را ارائه می‌دهند که می‌توانند برای ایجاد یا تعمیق همکاری با کشورهای شریک منطقه مدیترانه مورد استفاده قرار گیرند، بنابراین به کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در دستیابی به منافع استراتژیک خود کمک می‌کنند. لهستان مانند یک متحد وفادار با ناتو عمل می‌کند که علی‌رغم منافع محدود در خاورمیانه، کمک بسیار زیادی به مأموریت ناتو در عراق می‌کند. جمهوری چک در نوع متری قرار می‌گیرد زیرا علاقه بیشتری به منطقه خاورمیانه دارد که با مشارکت در طرح‌های ناتو منطقه خاورمیانه به‌طور فعال دنبال می‌کند. اگر ناتو بخواهد مشارکت کشورهای کمتر فعال در ابتکارات منطقه خاورمیانه خود را افزایش دهد، با توجه به نوع کشورهای هدف، باید مشوق‌های مناسبی را به

مشارکت کشورهای جناح شرقی ناتو با کشورهای خاورمیانه در گفتگوی مدیترانه و ابتکار همکاری استانبول، به‌ندرت صورت می‌پذیرد و مشارکت شرقی ناتو با اوکراین و کشورهای قفقاز در نقطه کانونی قرار دارد. تنها کشوری که به‌طور فعال در برخی از فرصت‌هایی را که چارچوب‌های مشارکت ناتو ارائه می‌دهد استفاده می‌کند، جمهوری چک است. این کشور از روابط دیپلماتیک خود با کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه در منطقه شام، استفاده می‌کند تا آنها را به ناتو نزدیک‌تر کند. ارائه سفارتخانه‌های این کشور برای استفاده به عنوان نقاط تماس ناتو یکی از مشهودترین گام‌های سیاست خارجی چک در چارچوب مشارکت است. اگرچه سوریه یک کشور شریک ناتو نیست و بنابراین نمی‌تواند نقطه تماس ناتو خود را داشته باشد، سفارت چک در دمشق عملاً به عنوان یکی از این کشورها عمل می‌کند و این روند را تأیید می‌کند. لهستان اغلب میزبان مانورهای ناتو هستند که در آن کشورهای شریک می‌توانند در آن شرکت کنند یا به سادگی مشاهده کنند؛ اسرائیل بیشترین مشارکت را در این زمینه دارد. آنها همچنین با شرکای خود در پروژه‌های علمی در برنامه علم برای صلح و امنیت همکاری می‌کنند که لهستان و جمهوری چک به عنوان فعال‌ترین آنها براساس تعداد پروژه‌هایی که همراه با کشورهای شریک خاورمیانه در آنها شرکت می‌کنند، همکاری دارند.

نقش ناتو در منطقه خاورمیانه با توجه به جناح شرقی

پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال اصلی تحقیق است: اعضای ناتو از جناح شرقی آن در قبال نقش ائتلاف در خاورمیانه چه موضعی دارند؟ دو پایان، دو راه ممکن وجود دارد که چگونه می‌توان به پاسخ، از دیدگاه کل اتحاد یا با نگاهی دقیق‌تر به تک تک کشورها، نزدیک شد. هنگام پیروی از تقسیم سنتی ناتو بین کشورهای عضو "قدیم" (در غرب و جنوب) و "جدید" (در شرق)، می‌توان چندین فرض کلی را در مورد کشورهای جدید براساس عناصری که برای همه موارد مورد تجزیه و تحلیل مشترک است، مطرح کرد. با توجه به منافع کشورهای جمهوری چک و لهستان در خاورمیانه که در تحلیل‌ها مشخص شد، واضح است که آنها صرفاً پشت سر قدرت‌های بزرگ‌تر در ائتلاف نیستند و منافع ملی خود را در منطقه نیز دنبال می‌کنند. با این وجود، این منافع طبیعتاً ماهیت محدودی دارند، زیرا روسیه در یک نقطه کانونی باقی مانده است. این منافع که برای کل منطقه مشترک است و عمدتاً مبتنی بر تهدید است. کاهش تهدیدهایی مانند مهاجرت یا تروریسم، حتی اگر مستقیماً کشورهای اروپای مرکزی و شرقی را تحت تأثیر قرار ندهد، در خط مقدم منافع آنها در منطقه خاورمیانه است.

خاورمیانه از یک سو منابع انرژی را عرضه می‌کند و از سوی دیگر بازاری باز برای صادرات اسلحه و ماشین‌آلات است. کشورهای جناح شرقی ناتو همچنین با مشارکت در ابتکارات ناتو منطقه خاورمیانه مخالفت نمی‌کنند، زیرا همه آنها تا حدی، هرچند محدود، در مأموریت ناتو در عراق و چارچوب‌های مشارکت شراکت دارند. با این وجود، جناح شرقی نباید همیشه به‌عنوان یک واحد تلقی می‌شود. با نگاهی دقیق‌تر، تفاوت‌هایی در برداشت کشورها از نقش ناتو در خاورمیانه وجود دارد. وقتی به سایر دولت‌های جناح شرقی که تحت این تحلیل قرار نگرفته‌اند، براساس مناطق فرعی که این دولت‌ها در آن قرار دارند، می‌توان چندین فرض را مطرح کرد. همه کشورهای بالتیک به احتمال زیاد در نوع منفعل قرار می‌گیرند. دوری این منطقه فرعی از خاورمیانه، عدم ارتباط تاریخی و تهدید قریب الوقوع روسیه، منافع آنها را ضعیف‌تر و همچنین سطح تعامل را پایین‌تر نشان می‌دهد. از سوی دیگر، نمی‌توان حدس زد که آیا اسلواکی و مجارستان منافع قوی در خاورمیانه مانند جمهوری چک دارند یا در چه سطحی در تعامل در خاورمیانه هستند.

- Republic.
(http://www.army.cz/images/id_8001_9000/8503/Security_Strategy_2015.pdf).
16. Mearsheimer, John. 1994. "The False Promise of International Institutions." *International Security*, 19(3): 5-49. doi:10.2307/2539078
 17. Ministry of Foreign Affairs Republic of Poland. 2017. *Polish Foreign Policy Strategy 2017-2021*. (<https://www.gov.pl/attachment/869184c0-bd6f-4a20-b8af-a5c8190350a1>).
 18. Ministerstwo Obrony Narodowej. 2019a. "PKW Irak." Accessed September 7, 2020, (<https://www.gov.pl/web/obrona-narodowa/pkw-irak>).
 19. NATO. 2018a. *Brussels Summit Declaration*. Brussels. (https://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_156624.htm)
 20. NATO. 2019. "Istanbul Cooperation Initiative (ICI)." Accessed September 9, 2020, (https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_58787.htm).
 21. NATO. 2020a. "NATO Mission Iraq." Accessed September 9, 2020, (https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_166936.htm).
 22. Nordic Monitor. 2019. "Turkey sought to bar Egypt and Israel from NATO exercises, documents reveal." *Nordic Monitor*, December 12, 2019. (<https://www.nordicmonitor.com/2019/12/turkey-sought-to-bar-egypt-and-israel-in-natoexercises-documents-reveal/>).
 23. Plucinska, Joanna. 2020. "U.S. to have permanent troop presence in Poland as defence pact agreed." *Reuters*, July 31, 2020. (<https://www.reuters.com/article/us-poland-usa/us-to-have-permanent-troop-presence-in-poland-as-defence-pact-agreed-idUSKCN24W2AS>)
 24. Schranweber, Greta. 2019. "What and where is the Middle East?" In *Middle East Policy Council. Teaching the Middle East: A Resource Guide for American Educators*. (<http://teachmideast.org/for-educators/digital-book/#1439390070977-57823c4b-824d>)
 25. Samaan, Jean-Loup. 2018. "Outflanked? NATO's Southern Hub and the Struggle for its Middle East Strategy." *The International Spectator*, 53(4): 58-74
 26. Sasnal, Patrycja. 2020. *Poland's Policy towards the Middle East and North Africa*. In: *Yearbook of Polish Foreign Policy 2011-2015*. PISM. (<https://www.pism.pl/file/932f4c6bbcac-466a-8bf4-e23ea51fde7c>)
 27. Stewart, Jenny. 2009. "Conceptualising Engagement." In *The Dilemmas of Engagement: The Role of Consultation in Governance*, 3-10. ANU Press. (www.jstor.org/stable/j.ctt24h7p4.6).
 28. The Economist. 2020. "The battle for the Middle Eastern arms market is heating up." *The Economist*, February 13, 2020. (<https://www.economist.com/business/2020/02/13/the-battle-for-the-middle-eastern-arms-market-is-heating-up>).
 29. (https://www.unob.cz/cbvss/SiteAssets/Stranky/publikace/Bezpe%C4%8Dnostn%C3%AD_pr%C5%99ed%C3%AD_2019.pdf)
 30. Times of Israel. 2018. "Israel takes part in NATO's Saber Strike drill for first time." *The Times of Israel*, June 4, 2018. (<https://www.timesofisrael.com/israel-takes-part-in-natos-saberstrike-drill-for-first-time/>).
 31. Vorozheina, Yana. 2017. "Poland's Foreign Policy Mechanisms: Legal Framework and Policy Analysis." *Baltic Region*, 9(1): 30-40. doi: 10.5922/2079-8555-2017-1-3.
 32. Waszczykowski, Witold. 2016. "Government Information on the Polish Foreign Policy in 2016." In *Yearbook of Polish Foreign Policy*. PISM. (<https://pism.pl/file/2e642705-57e6-451b-8bc9-0223a0056904>).
- آنها ارائه دهد. ممکن است به دولت‌های منفعل برای مشارکت آنها چیزی در راستای منافع امنیتی آنها پیشنهاد شود تا آنها به کشورهای وفادار تبدیل شوند. برای شوریهایی که دیگر چارچوب‌های همکاری یا سواری مجانی را ترجیح می‌دهند، ناتو باید به صراحت فوایدی را که مشارکت در ابتکاراتش به همراه دارد، بیان کند. به عنوان مثال، اتحاد ممکن است بر این واقعیت تأکید کند که این یکی از محدود چارچوب‌هایی است که از طریق آن کشورها می‌توانند با کشورهای منطقه مدیترانه همکاری نظامی کنند و همچنین مشارکت در برنامه‌های مشارکت موجود ممکن است روابط دوجانبه بین کشورهای طرف شرق و هم‌تایان خاورمیانه ای آنها را تقویت کند.
- ### مراجع
۱. بهمن، شعیب، (۱۴۰۲)، هر چه از بحران اوکراین می‌گذرد، شکاف و واگرایی در میان کشورهای عضو ناتو بیشتر می‌شود، اسپوتنیک ایران، <https://spnfa.ir/20240414/%D8>
 ۲. شجاع، مرتضی، (۱۳۸۸)، بررسی اهداف و آثار حضور ناتو در خاورمیانه: با تأکید بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره چهارم
 ۳. قاسمی، رضا، جایگاه منافع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشریه: الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی دوره: ۶، شماره: ۱۱
 ۴. نجف‌آبادی، سهیل، (۱۳۹۹)، بررسی آینده‌پژوهانه حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۱
 5. Burton, Joe. 2018. "NATO's "Global Partners" in Asia: Shifting Strategic Narratives." *Asian Security*, 14(1): 8-23, doi: 10.1080/14799855.2017.1361728.
 6. Brown, Lauren (2023) Partnership, Not Pivot: NATO's Legal Answer to the China Question, <https://www.squirepattonboggs.com//media/files/insights/>
 7. Buras, Piotr. 2019. "Warsaw 'Iran' summit: What lies beneath. The view from Poland." *European Council on Foreign Relations*, January 24, 2019. (https://www.ecfr.eu/article/commentary_warsaw_iran_summit_what_lies_beneath)
 8. Bojko, Krzysztof. 2008. "Polish Interest in the Middle East and Polish Policy Towards the Israeli-Palestinian Conflict." *Politeja*, 10(1): 315-22. (<http://www.jstor.org/stable/24919307>).
 9. Czech Ministry of Defence. 2018. "Basic Data of the State Budget in Chapter of the Ministry of Defence in 1993 – 2018." Accessed September 7, 2020, (<http://www.army.cz/en/factsfile/defence-budget/defence-budget-130198/>).
 10. Čejka, Marek, Daniel, Jan and Michaela Lubin. 2018. "The Middle East and the Maghreb in the Czech Foreign Policy. Continuity in the Face of Regional Turmoil." In *Czech Foreign Policy 2017*. Prague: IRR. (<https://www.iir.cz/static/publikace-ceske-zahranicni-politiky-analyzy-umv>).
 11. Clinton, David W. 1986. "The national interest: normative foundations." *Review of Politics*, 48(4): 495-519, doi:10.1017/S0034670500039656.
 12. Goure, Dan. 2020. "Poland is becoming America's key NATO ally." *Defense News*, February 20, 2020. (<https://www.defensenews.com/opinion/commentary/2020/02/20/poland-is-becoming-americas-key-nato-ally/>).
 13. Ministry of Foreign Affairs of the Czech Republic. 2015a. *Security Strategy of the Czech Republic*

